



از آنچه در مورد عدم تناقض رشد دولت ملی و مستقل
 بورژوازی با امپریالیسم گفتیم بخوبی پیداست که دولت بورژوا-
 شی مستقل هر مطالبات پرولتاریا نعمت نمی‌تواند باشد. تنها
 آن مطالباتی واقعاً دموکراتیک و واقعاً پرولتاریائی است که
 ناشی از ایجاد تغییر در سیاست‌های سیاسی متقابل بورژوازی و پرو-
 لتاریا باشد. مطالبات دموکراتیکی که پیش‌تره‌های مسازره
 پرولتاریا برای تصرف قدرت سیاسی و استقرار سوسیالیسم، را
 فراهم سازد. این مطالبات به معنای سرنگون ساختن فئودالیسم
 امپریالیستی است و به تعبیر شکل این فئودالیسم به شکل
 "ملی" و ناوابسته و مستقل آن؛ و به معنای تعیین عاملین
 اجرائی آن. دولت بورژوازی مستقل ملی که به معنای نسل-
 نپر و ارتجاع امپریالیستی در شکل مستقل، ناوابسته و "ملی"
 و با تأمین اجرائی از نظر حقوقی و اداری ناوابسته و مستقل
 می‌باشد، صرفاً ایجاد زمینه‌ای است در مناسبات سیاسی متقابل
 بورژوازی کشور تحت سلطه و بورژوازی کشور امپریالیستی. این
 ایجاد تغییر در مناسبات سیاسی متقابل بورژوازی کشور تحت
 سلطه و بورژوازی کشور متروپول، با دولت مستقل ملی، مطالبه
 ای لیبرالی، حربه لیبرالها و ایده اساسی شکل دهنده جریان
 ناسیونال فرمیسی است. طرح دولت مستقل بورژوازی به عنوان
 یک مطالبه پرولتاریائی "استقلال سیاسی نقش موثری در پیشبرد
 روند مبارزه طبقاتی ایران داشته و با مبارزه جهانی در جهت
 نابودی امپریالیسم همسو می‌باشد." (روزندگان، درباره جنگ
 ۱۰۰). یعنی جازدن مطالبه‌ای بورژوازی برای مطالبات دمو-
 کراتیک پرولتاریا. این جازدن توسط ناسیونال فرمیست‌هایی
 که به ناسیونالیسم توده‌اندگانه گسترده ایران در ابتدای نقش
 عاملین بورژوازی در زمین کارگری و کمونیستی است. روزندگان،
 راه کارگرو "اکثریت" ما طرح "استقلال سیاسی ایران" و اجاب
 زدن مطالبه لیبرالی "دولت بورژوازی مستقل" بعنوان مطالبه
 ای پرولتاریائی، کارگران را در جنگ کمونیستی به انصراف از مبارزه
 انسانی علیه حکومت جمهوری اسلامی و به دفاع از این حکومت دولت
 می‌کنند.

توجه به این امر که چگونه مطالبه لیبرالی "دولت
 مستقل ملی" در این حال بعنوان ابزاری در دست بورژوازی کشور
 امپریالیستی برای سرکوب پرولتاریا انقلابی و جریان پرولتاری
 انقلابی خدمت می‌کند. نقش حضرات نوسال نویسنده‌های ما را در ابتدای
 نقش عامل نبود بورژوازی در جنبش کارگری ایران از پیش روشن
 می‌سازد. "کنند دوم" در نقل قولی مذکور از "کارگران نور" چنین
 حاکی از آن بود که "استقلال سیاسی" کشور تحت سلطه کا هسی
 اوقات برای کارتل‌ها و ترانزیت و دولت‌های آنها از نقطه نظر
 سیاست استراتژیک شان **هریجا سودمند** است. لکن همین در
 کارتر کیمپسون مأمور مسائل ملی و مستعمراتی، کشورها و کشور
 ناسیونال کمونیستی ۱۹۲۰ به نحوی دیگر به همین مقاله اشاره
 کرده و می‌گوید: "بورژوازی امپریالیستی با تمام قوا می‌کوشد
 جنبش فرمیستی را در میان ملت‌های ستمگین سرچاپکوب سازد".
 سرچاپکوب می‌کند "با عنوان کمونیست، فئودالیسم را از جنبش
 آزاد می‌بخشد بورژوازی در کشورهای مستعمره باید پشتیبانی کنیم
 و پشتیبانی می‌کنیم که این جنبش‌ها واقعاً انقلابی هستند،
 و حتی که نمایندگان آنها مانع ما نخواهند شد تا هدف‌های ما و
 های وسیع استعمار شودگان را با روحیه انقلابی شریعت و مشکل
 سازیم. هرگاه این شرایط هم موجود نباشد آنوقت کمونیست‌ها
 باید در این کشور **ها شده** بورژوازی فرمیست که **ضرماتسان**
 امپریالیست دوم نیز به آن شعلق دارند. مبارزه کنند."

لکن و کمترین کمونیست‌ها را از شرکت در جنبش‌های
 جهانی بخش بورژوازی. جنبش‌هایی که خواستار استقلال سیاسی
 و تشکیل دولت مستقل ملی می‌باشد، آن هنگام که نمایندگان
 ناسیونال - فرمیست آنها با تمام فعالیت کمونیستی ما در برخورد
 بوده‌ها با روحیه انقلابی کردند برادر داشته و و بلکه کمونیست‌ها
 را مبارزه با رهبران ناسیونال فرمیست تعیین می‌سازند. و از یاد
 داریم که این روش‌ها لکن نمونه فعالیت کمونیست‌ها در کشور
 های "مستعمره" و با کشورهای تحت سلطه‌ای بوده است که در آنها

سیاست تولید سرمایه‌داری مستقر شده و لذا جنبش کارگر-دین
 نیز در این کشور هائمی‌توانسته به مفهوم دقیق آن وجود داشته
 باشد. برای کشورهای سرمایه‌داری تحت سلطه که در این کشورها
 پرولتاریا و لذا جنبش کارگری وجود دارد و سخن فقرات و سروری
 محرکه اصلی هر جنبش انقلابی را تشکیل می‌دهد، اهمیت عملی-
 رهنمود لکنی جدیدان می‌گردد. بی‌شکال، لکن و کمترین
 شما به این حقیقت توجه دارند که برای کارتل‌ها و ترانزیت‌ها
 و دولت‌های آنان از نقطه نظر سیاست استراتژیک شان، تقویت
 حمایت و استفاده از ناسیونال - فرمیست علیه کمونیسم و
 استفاده از جریان ناسیونال فرمیستی علیه جریان پرولتاری
 انقلابی و حمایت و استفاده از مطالبات بورژوازی کشور تحت سلطه
 برای تشکیل دولت مستقل فریضت سرکوب جریان کمونیست انقلابی
 پرولتاریا "هریجا سودمند" می‌باشد. ما در مقاله "دوچاپکوب
 انقلاب بورژوازی امپریالیستی" در مورد جنگی انشای سیاست
 استراتژیک و نیز تاکتیکی امپریالیسم آمریکا با حرکات و حمایت
 های رهبری ناسیونال - فرمیستی جنبش انقلابی علیه سلطنت
 (هر دو جناح لیبرالی و خرده بورژوازی مذهبی آن که دولت
 بورژوازی ناوابسته کنونی از دل آن سرخاسته) در فیسال
 انقلاب ایران و تداوم آن و استفاده از آن در خدمت سرکوب این-
 انقلاب به تفصیل سخن گفته‌ایم. در آنجا ما نشان داده‌ایم که
 چگونه پس از آنکه این رهبری ناسیونال - فرمیست بر زمین
 تحولات قیام حکومت مستقل و ناوابسته خود را مستقر می‌سازد این
 امکان را فراهم می‌آورد که سیاست امپریالیستی در سرکوب انقلاب،
 سیاست کمونیسم، سرکوب جنبش کارگری و کمونیستی، انحصاری
 دموکراسی و نابود کردن دستاوردهای دموکراتیک تمام در اشکال
 و شیوه‌های نویسی و در لغات سیاست مستقل و **فدا امپریالیستی**
 به پیش برده شود. "حضرات نوسال نویسنده‌هایی که معج این
 حکومت را بعنوان حکومتی مستقل ناوابسته، **فدا امپریالیستی**
 و "اداری فدا امپریالیسم" گفته و می‌گویند، حضراتی که
 هنوز هم مثلا اشغال سفارت آمریکا را پس از آنکه سردهسته
 دانشجویان در محاصره با روزنامه جمهوری اسلامی اعتراف کرده
 است که حرکت ما برای جلوگیری از اقداماتی بود که جهت مبارزه
 شده بود، بعنوان گرامات **فدا امپریالیستی** " این حکومت
 بخورد کارگران می‌دهند، آنها خود می‌دانند که برای بورژوازی
 انحصاری و امپریالیسم آمریکایی "از نقطه نظر سیاست استراتژی-
 یکنان صرفا سودمند می‌باشد!"

پس وقتی ما در اینجا از سیاست نویسنده‌هایی که تا طین
 تدوین بورژوازی صحبت می‌کنیم، شاید این شیوه پیش‌تره که
 آنها مثلا ما همین تدوین فکر از بورژوازی، یعنی عاملین
 بود بورژوازی لیبرالیست که مطالبه دولت مستقل و ناوابسته
 بورژوازی را جالبترین مطالبات دموکراتیک پرولتاریا می‌نامند؛
 مطالبات درونی افکار مطلق بورژوازی از یکدیگر آنجا در
 میان این طبقه از زمینه‌های مادی موجودات می‌گردد که در دست
 کل بورژوازی بعنوان ابزاری در خدمت حزب و سرکوب پرولتاریا
 موثر افتد. ما به عبارت دیگر نتواند در مبارزه سیاسی کسب
 بورژوازی ما پرولتاریا در یک کشور معین و در یک مقطع تاریخی
 معین نشی موثر را در حفظ سلطه و تأمین منافع طبقاتی بورژوازی
 بازی کند. از اینروست که هر مطالبه دموکراتیک، و بی‌شک
 استقلال سیاسی می‌تواند همواره به تنها در دست بورژوازی کشور
 تحت سلطه، بلکه در دست بورژوازی کشور متروپول، بعنوان
 ابزار فریب کارگران و سرکوب جریان انقلابی پرولتاری خدمت
 کند؛ و پرولتاریا آن هنگام می‌تواند در مبارزه دموکراتیک
 استقلال طبقاتی خود را حفظ کند که مبارزه‌اش را برای تحققی
 مطالبات دموکراتیک با مبارزه علیه کل بورژوازی، با مبارزه
 برای سرکوبی بورژوازی و با مبارزه برای تصرف قدرت سیاسی
 تلفیق کند.

تحقیق یافتن استقلال سیاسی و دولت مستقل بورژوازی در کشور
 تحت سلطه بیانگر چند وجوه و **تنگ** رابطه سیاسی است که **کلی**
بورژوازی در آن کشور با پرولتاریا آن، و به این اعتبار **ساز**
 شود زمختگی آن کشور، سنا به درجه رشد مبارزه پرولتاریا



آنچنان که پیداست رزمندگان در ۵ خردادماه ۱۳۵۹ یعنی قریب پنج ماه پیش آماده‌گی رزمی خود را برای اشتغال با حکومت (زینر لوی اشتغال باحقی از آن وجه زعم رزمندگان بخش خرده بورژوازی سنتی مرفه که شاید "نهاد آبرو امپریالیسم نشار راه‌سودی سرمایه‌داری وابسته نمود"!) در صورت بروز تحول در حقوق بورژوازی اعلام می‌دارد. هنوز مرکب مناوالت نامه رزمندگان با حکومت خشک نشده که "اکثریت" مانعیت شهادت در استان بورژوازی، یعنی کار ۵۹ را منتشر می‌نماید. رزمندگان از اینکه "اکثریت" معنای عملی موافق اورا بیا به هنگام به نمایندگی گذاشته و رسوا ساخته، سخت برمی‌تابند. کار ۵۹ را "تفوط در منجسبات ایورونیسم راست" (رزمندگان ۱۴) می‌نامد و در مفهفات نامیه می‌کند سرتار از عبارت بردار بیهای چپ، حاکی از اینکه درست است که این حکومت (جناح خرده بورژوازی آن) با امپریالیسم "نهاد" دارد، اما مگر همین حکومت نیست که سرکوب می‌کند، کشتار می‌نماید، مانور برقرار کرده و تبلیغات کاذب سواد ایداعته است؟ و بالاخره رزمندگان ماهیت فسیبه اختلاف را رومی‌کنند و می‌گوید "اکثریت" تاکنگی را اتخاذ کرده است که هنوز شرایط آن نرسیده است. موقعی که این تریایه مرید اولاً حکومت "دوپاره" خواهد شد: یکپاره بورژوازی لبرال و پاره دیگر خرده بورژوازی دارای "نهاد" با امپریالیسم و ماضی حذت اشتغال کامل خود ضمن تعقیب استراتژی خود، ضمن کسب قدرت هر آنجا که بتوانیم، بطور موثقت و منتهی با شرایط معین با این خرده بورژوازی وارد اتحاد عمل می‌شویم. اما از قدیم گفته‌اند "هر آنچه جوان پذیرفته نیست، بهیر درخت جام می‌رسد". بورژوازی همواره خرده بورژوا جاربا واقع بینی " خود مرعوب کرده است. برای رزمندگان لازم بود تا تحول رخ دهد تا اینکه ببینند که... نمایندگان هردو جناح حکومت... خواستار خشی کردن توطئه‌های امپریالیسم بوده و برای این راه می‌جنگیدند" (باز هم درباره جنگ)، ولی اکثریت از همان خرداد ماه این مساله را دیده و می‌گوید "در شرایط کنونی جهت‌گیری عمده امپریالیسم اعمال فشار مانی اریسرون است" (کار ۵۹) . رزمندگان با "منفصل" خود را از اکثریت متمایز می‌نماید، اما قبل از پرداختن به این مف مستقل رزمندگان، داستان سلوک رزمندگان به زیر پرچم "اکثریت" را دنبال کنیم.

رزمندگان شماره ۲۴، ۳ شهریور ۵۹ با مقاله‌ای تحت عنوان "دگمانیسم و روبریونیم در برخورد به حاکمیت" ظاهر می‌گردد. این مقاله دو جز دارد. جز اول تمجید و تحسینی از "اکثریت" است که علی رغم بسیاری از نیروهای م. ا. که در مورد ترکیب حاکمیت به دگمانیسم کشیده شده‌اند و قادر به تشخیص صحیح ترکیب هیات حاکمه وجود خرده بورژوازی سنتی مرفه در حاکمیت نیستند". اکثریت در مورد ترکیب حاکمیت مند "تحلیل سخنی را - البته به سیاق رزمندگان - بکار می‌نهند. جز دوم مقاله (حدس بزنید چه؟) به بیچاره اکثریت داغ روبریونیم می‌زند که گور نمی‌تواند ببیند که: "این خرده بورژوازی که در عا- کیم است چه موضعی در قبال انقلاب ایران دارد؟ این خرده بورژوازی چگونه با مبارزه توده‌ها سرعابه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم روبرو می‌گردد؟ این ارگان‌های خرده بورژوازی ایم از پاسداران، کمیته‌ها، دادگاه‌های انقلاب وغیره چه می‌کنند؟" رزمندگان به "اکثریت" می‌گوید: "شما می‌خواهید تطبیق کنید. می‌خواهید راجع به مساله اساسی یعنی قدرت حاکمه سخن می‌گویید و در دسترس نیست. این چگونه است که مساله ما جنبه و نه ترکیب هیات حاکمه را در دسترس همان‌ها که باید به آن جواب داد زمین می‌کند" (تاکنگ از رزمندگان است).

لازم نیست که برای فهمیدن رابطه "ترکیب" و "ماهیت" در نزد رزمندگان بخود دوره‌سیر بدهد. رزمندگان برای پاسخ به سوالاتی که فوقاً در مقابل "اکثریت" گذاشته بود کارنامه ۶ ماه خرده بورژوازی سنتی مرفه را رومی‌کنند. کارنامه‌های سپاه، سرتار از نخل، کشتار، مانور و هدایت با دموی گراسی و "از گرامات شبح ما این است شیره را خورد گفت

شیرین است": رزمندگان با مشاهده کارنامه می‌گوید این است ماهیت حکومت، ماهیت خرده بورژوازی سنتی، ماهیتی فسد انقلابی! ماهیت در نظر رزمندگان یعنی همان بروز خارجسی! رزمندگان بومیانی مشاهده این "بورژوازی" با "اکثریت" موریدی می‌کند: بی آنکه هیچ اختلافی در اصل قصبه، یعنی در تحلیل طبقاتی و در تئوری "ترکیب هیات امپریالیستی" حکومت نام- وابسته خمینی و شرکا، در میان باشد.

بدین گونه، اختلاف و "موریدی" رزمندگان و "اکثریت" نه موریدی و اختلافی طبقاتی، اختلافی در اساس سیاست و روشی تاکنگی آنان در برخورد به انقلاب و نیز در برخورد به حکومت بلکه اختلافی در چگونگی اتخاذ یک سیاست و تاکنگی واحد است. "چنان اوضاعی" هم که رزمندگان ۱۳ پیش‌بینی کرده بود و منی تاکنگی خود را در قبال آن طرح ساخته بود در شکل جنگ کنونی رخ می‌دهد و رزمندگان نیز همان تاکنگی اکثریت را با معسی در ملحوظ داشتن موریدی در چگونگی اتخاذ آن، اتخاذ می‌کنند. اما دیگر اکنون برای کسی چندان مشکل نیست که یکی بسودن تاکنگ رزمندگان و "اکثریت" را با مشاهده این شکل سوسیال شوبیشی آن در یابد. رزمندگان باره تلاش می‌افند (سر مقاله رزمندگان ۲۳، ۷/۲۱) که حضور آشکار شده اش را در زیر بیرو کار ۵۹ پنهان سازد و مجدداً مبادرت به "موریدی" می‌نماید. اینبار نیز رزمندگان همان سوالاتی که ما راجه مشاهدهات ملمح نظرسرا و حوالت می‌دهد، مطرح می‌سازد: "آیا حشمت‌حاکمه که اینروزها (بهمهراه ایورونیستها) از ضربات و ضربات جنگ سخن می‌گویند و آنرا نقدین می‌کند، مساله خاطر این "جنگ مقدس" خود با هیئت حاکمه عراق، "جنگ مقدس" بر علیه خلق ایران و جنبش انقلابی و انترک کرده است؟ پاسخ به این سوالات است که مع ایورونیست‌های راکه امروز سرخشان به مدافعه از جنگ بغاظر جمهوری اسلامی سخن می‌گویند باز می‌کند!

رزمندگان مجدداً برای "پنهان ساختن ایورونیستیسیا" کارنامه سپاه حکومت را می‌کشاید: "آغاز جنگ با عسراق هراء است با تشدید جنگ بر علیه خلق کرد. همراه استیسا خفه کردن، وحشیانه و مانور نشریات، تعقیب مملتان، سبیل دستگیری انقلابیون در شهرهای تحت حکومت شبه نظامی در فاشم شهر و غیره ادامه همین جنگ است. در خوزستان به سبب اشتراک نیروهای کمونیست حمله می‌شود. در اهواز چادرها هدین خلق مورد تعرض واقع می‌گردد و تعطیل می‌شود. در همه جاسا کوچکترین طن راجع به کمونیست بودن تا ابع سلاح و دستگیری آنان به پیش می‌رود و... الخ".

رزمندگان بر اساس این مشاهدهات و عوامل حاصل از آن می‌گویند حضور آشکار شده اش را در زیر بیرو "اکثریت" پنهان سارد. "اکثریت" اکنون آشکارا و "برخاسته به مدافعه از جنگ بغاظر همه‌سوری اسلامی سخن می‌گویند". و اما رزمندگان سرخشان به مدافعه از جنگ نه بغاظر جمهوری اسلامی بلکه برای "دفاع از توده‌های مردم، انقلاب و استقلال ایران" سخن می‌گویند. اما رزمندگان علی رغم تمایز در سخنان در عین به دفاع از جمهوری اسلامی می‌رسد که "اکثریت" نبود عمل حرامین نمی‌کند:

رزمندگان می‌نویسد: "دفاع از توده‌های مردم، انقلاب و استقلال ایران در قبال تحازر عواق سیاسی مارکسیستی است که می‌باید در تمام مناطق جنگی دنبال گردد" (ساسه شماره ۲) اما توده‌های مردم خود: " ما جنگ و دستار و با ندرش عظیمیم به دفاع از استقلال و انقلاب خود خواهیم پرداخت و راه را بر مارگت امپریالیسم و فدا انقلاب مغلوب خواهیم بست... توده‌های شهرمان ایران هرگز اجازه نمی‌دهد که امپریالیست‌ها از مبارزه انقلابی‌شان سرعابه رژیم جمهوری اسلامی بهره‌برداری کنند" (بیانیه شماره ۱۲). رزمندگان که سرخشان به دفاع از توده‌های مردم سخن می‌گویند، اگر در عمل نخواهد نشن ژاندارم و شیکود را برای آنان بازی کند، حتماً به عنوان یک جوان سیاسی باید از خواستار و مطالبات و منافع بوده‌ها "دفاع" نماید و آن معانفی



کد او درجک برای توده‌ها برمی‌شود و توده‌ها را به درک اینس
منافع و سازمان یافتن در دین برای دفاع از این منافع شلیج
می‌کند عبارتست از: "استقلال سیاسی ایران" و "اجازه ندادن
به اینکه امپریالیست‌ها از مبارزه توده‌ها سرغلبه رژیم جمهوری
اسلامی بهره برداری نمایند!" و دفاع از استقلال سیاسی ایران و
اجازه ندادن به امپریالیست‌ها در بهره برداری از مبارزه توده
ها علیه جمهوری اسلامی جز دفاع از جمهوری اسلامی چه معنای
دیگری می‌تواند داشته باشد؟!

چنین مفاد فحش‌های ای از رژیم جمهوری اسلامی تمام آن‌ها
بنا بر مارکسیستی (بخوان سوسال شورونستی) است که صف مستقلی
که رزمندگان تبلیغ و شمال می‌کند بی‌سنگ و شکلائی است. و این
صف مستقل که رزمندگان بسیار مایل است نام آنرا صف مستقل
گوشیست‌ها بگذارد. در حقیقت امر عبارتست از صف دفاع از منافع
بورژوازی در درون جنبش کارگری و کمونیستی.

کسی که بخواهد کمربست باقی بماند و به وظایف کمونیستی
خود عمل کند باید برای کارگران روشن سازد که بورژوازی بیک
طبقه واحد است و یک سیاست واحد دارد. باید برای کارگران روشن
سازد که اشرار مختلف بورژوازی و نمایندگان سیاسی رنگارنگ او
هریکه این سیاست واحد را در انکال و شیوه‌های کمابیش "مستقل"
تبلیغ و دنبال می‌نمایند. بنی‌صدر این سیاست را در انکال و شیوه
های لیبرالی دنبال می‌کند؛ حزب جمهوری اسلامی در انکال و شیوه
های لیبرالی و سخنران در شکل و شیوه‌های مستقل خود، "اکثریت" نیز
در شکل و شیوه‌های خود و رزمندگان سزیه شیوه خود.

ما کمونیست‌ها باید کارگران را نسبت به سوزات و گراگون
سیاست بورژوازی در انکال متنوع در نزد نمایندگان سیاسی
رنگارنگ او آگاه سازیم. باید به کارگران بیاوریم که این
یک سیاست واحد بورژوازی است که در این رنگ و بو و با این
حاکمیت همین در نزد این با آن مانده این طبقه متطور شده
است. باید به کارگران بیاوریم که خاصیت و سلولر سیاست
بورژوازی در نزد حزب جمهوری اسلامی این بود و گمانگاران اینست
که احیایات و خرافات مذهبی صف مانده همین توده‌ها را مورد
استفاده قرار دهد. در نزد بنی‌صدر این بود و صف که احیایات
و نمایانیت دموکراتیک کارگران را مورد بهره برداری قرار دهد.
در نزد اکثریت این است که از تجربه و نمایانیت انقلابی آنان
استفاده کند و در نزد رزمندگان این است که آگاهی کمونیستی
کارگران پهنتر را تحریک نماید. سیاست رزمندگان با سیاست
سرمه‌ر و با حزب جمهوری اسلامی تنها در حد است معرفی آن تعاون
دارد و نسبت به فراموشی طبقاتی آن و سزیه در صفی آن یعنی
استفاده از ایده دولت بورژوازی مستقل و استقلال سیاسی برآمده
بهداری تحت سلطه ایران بعنوان ابزار فریب و سرکوب کارگران.
و این سیاست در این مقطع منحن تاریخی همانطور که مابیش اراس
بحد کریم شنا ما با سیاست بورژوازی انتخابی و امپریالیسم
آمریکای سرکوب انقلاب ایران عملا همسو و منطبق است. صف
مستقل رزمندگان در دفاع از استقلال سیاسی ایران بی‌انگور این
سیاست می‌باشد و این صف استقلال به استقلال طبقاتی. بلکه
همان استقلالی است که مثلا در "تنجانی" که از خمینی شمعین
گرفته فرماندهی عشایر را مستقل از ارتش و پاسداران در شمال
شما و عراق سر عقده کرد از آن استقلال برخوردار است و با مثلا
دفعه‌ها، جامگان داریوش قورهر که هم از ستاروش هم ارض
پاسداران و هم از صف تنجانی مستقل است.

ما باید به کارگران بیاوریم که این استقلال صفوف و به
اور کلی استقلال این حزب بورژوازی از آن حزب دیگر بورژوازی
بای است که نمایندگان سیاسی مختلف بورژوازی بتوانند در نهایت
نای خویش را بر سر جای آن مقام نمایند. حکومتی این طبقه
و در دست گرفتن ابزارهای قدرت دولتی. به پیش برند. و ما باید
به رولناریای آگاه هندار دسیم که رزمندگان نیز که امروز
نه از او نامیم، مخالفان کشتار، سرکوب، سانسور و تبلیغات
کاذب می‌زند. رزمندگانی که کوشیده است و می‌کوشد خود را در انکال
جلوه دهد. رزمندگانی که در لباس مارکسیم پنهان شده است

و سیاست ناسیونال - رهبریستی بورژوازی را در پیش کمونیسم
عرضه می‌کند؛ این رزمندگان نیز اگر با تعرض روزی بتواند زیر
سیرق کاره ۵۵ مقام حکومتی را احراز کند و ابزارهای قدرت دولتی
را در دست گیرد و از "استقلال سیاسی ایران" دفاع کند، ما هم همین
بورولناریای آگاه و انقلابی از دولت بورژوازی مستقل ایشان
چیزی جز گلوله، کشتار، سانسور و تبلیغات کاذب نخواهد بود.

صف مستقلی که رزمندگان برای دفاع از توده‌های مردم و
استقلال سیاسی ایران، تبلیغ و دنبال می‌نمایند. صف "مستقل"
منافع بورژوازی در درون جنبش کارگری و کمونیستی است. و ریزش
صف مستقل بورولناریا - صفی که کمونیست‌ها مشکل و نمایانیت
می‌کنند. تنها می‌تواند بازتاب بر نامه و ناگشک و سیاست مستقل
بورولناریا باشد. کسی که انقلاب برایش رزق خرد بورژوازی است؛
کسی که سوسیالیسم اثر خرد بورژوازی است؛ کسی که مطالباتش

دولت بورژوازی مستقل وطنی است؛ کسی که تحمل طبقاتی این
دولت مارکسیستی است؛ کسی که از سیاسی اثر از حرمیت سیاسی
نازیل نمودن شود تا و بدیده‌های آن وضعیت به معادلات این
"دوگانه" خرد بورژوازی است، نمی‌تواند بر نامه، و سیاسی
ناگشکی و لذا سیاست طبقاتی مستقل داشته باشد. سیاست
های چنین کسی همان سیاست بورژوازی خواهد بود. گرچه از لایه
شمار خرد بورژوازی. از کمانال معادلات ناسیونال - رهبریستی

بورژوازی انحراف به بورژوازی و سیاست او وصل کرده؛ و گریه
دارای پاک خریشات غیر وحشه، دارای احیایات او با شلیج
و در انکال صفی را در انکال باشد؛ و شرح صف تنجانی خود را از صف
احزاب و دستجات یا توده‌های سواد، احزاب و دستجات بر روی لیبرال

لی وحی از صف سوسیال شورونستی با ای اشکار و مجزا و مستقل
نگهدارد. تنها کسی می‌تواند سیاست واقعا مستقل و مارکسیستی
داشته باشد که تحلیل طبقاتی واقعا مارکسیستی از رژیم و در
کات با لایه طبقات در انقلاب بر اساس توانش مادی و معنوی
حاکم اضغادی که این طبقات را به حرکت درمی‌آورد بدست داده

باشد؛ برنامه‌های مارکسیستی برای انقلاب مهیا کرده و اصول
کنیک و مثنی ناگشکی خود را برای این مقطع معین تاریخی در
تعریف کرده باشد. کسی که ایسکارها را انجام نداده و در راه
به شوه واقعا مارکسیستی نگوشیده باشد؛ کسی که برنامه‌های
واقعا پرولتری برای انقلاب ندارد و مثنی ناگشکی خود را در
نگریده، در هر قدم خود چاره‌ای جز ارفاضاد به خطاهای سیاسی

بر شمار، سرورگمی و عبارت برداری چپ و انقلابی بجای عمل واقعا
انقلابی ندارد. چنین کسی به محض آنکه سر انکال مسازره
طبقاتی در یک وضعیت سیاسی معین، منافع طبقات بورژوازی
طبقاتی را منحوی مریح و عملی مطرح سازد مگر این است که عملا
در آفوش گناده بورژوازی بماند. رزمندگان در سرخورد به جنگ
به غننه ثابت کرده است کسی است که آماده‌گی کانسول

برای افشان در آفوش بورژوازی را داشته و اکنون به آفوش
بورژوازی افتاده است. وقتی مادر مقاله "جدال پرولتر و
سوسیالیسم خلقی" نشان دادیم که برنامه این حضرات بر نامه
جدائل هم برنامه جداگتر "سرمایه‌داری وطنی و مستقل" است؛
وقتی که مادر دانی بازار را در انکال کم رزمندگان که بعنوان

"قطب‌چپ" کمونیست‌ها را به زیر پرورال خود فرامی‌خواند. بر مقاله
له "در باره وحدت" گفتیم که برنامه این آقایان برای حسمرت
کمونیست نسول دادن این حزب به حوزی خرد بورژوازی است. کمانال
محق بودیم. رزمندگان اکنون نشان می‌دهد که همانطور که مسا
بارها در مورد اپورتونیست‌ها هندار داده‌ایم هدف سیاسی که این
حضرات دنبال می‌کنند، دولت بورژوازی مستقل وطنی و مستقل
پرولناریا به عامل احراضی سرمایه‌داری "مستقل" ایران است!

مخاشنه لازم است که نکته دیگری را نیز متذکر گردیم در
اکثر مقالاتی که نیروهای چپ و کمونیست در باره جنگ نوشته‌اند
بویژه در مقالاتی بلسمیکی - به این ساله اشاره شده است که جنگ
ایران و عراق بیک "تنجانیج" بیک "تحول سریع سیاسی" بیک
"جوشند در اوتاج" ... می‌باشد. از جمله رزمندگان در اشاره به



مورد اول است) جنبش کمونیستی ما که از دل ناسودا لیسیم خرده بورژوازی و مبارزه دموکراتیک سلی بر خاسته است تا که بر دین خود نطفه های هر سه جریان عمده بورژوا - لیبرال ، خرده بورژوا - دموکرات و انقلابی پرولتری را حمل کرده و می پروراند . اهمیت واقعی هر تحول سیاسی برای جنبش کمونیستی در این است که امکان می یابد ، و باید ، که در مبارزه با جریاناتی که عملاً محتوای لیبرالی و خرده بورژوازی نظرات برینا مه و تاکتیکی شان در شعارها ، موضع گیری و اشکال و شیوه های فعالیت سیاسی شان آشکار می گردد را از حقوق جنبش خرد کرده و ان گامی را که سواستمانه غرض از انقلابی خود را در برینو نزدیک می به نشوری و تاکتیک مارکسیسم حفظ کنند ، در تمجیح نظراتشان باری دهند از این طریق به تثبیت برنامه و تاکتیک کمونیستی ، در جنبش کارگری و با قند زنده کردن شعار ها و شیوه های فعالیت انقلابی پرولتری و در یک کلام تحکیم و قدرت با جنبش جریانات انقلابی پرولتری بگویند .

اهمیت این تحول ، یعنی جنگ ایران و عراق از این لحاظ در این است که با آشکار کردن محتوای لیبرالی نظرات برینا مه ای و تاکتیکی رژیمتگان - و ایضا راه کارگر - با گذاردن جریانی آنان به زیر ضربی مائیکست کار ۵۹ - که بین ایران با تومل به رادیکالیسم و نظراتی عبارات چپ خورشان را بر این بصری پیمان می یابند - وجود یک جریان بر آورده شده بورژوا - لیبرالی را در جنبش کمونیستی به نمایش در آورد . هر کسی که اینجا دموکریست یا بی ایمان و وفاداری خود را به ایران پرولتاریائی ثابت کند ، هر کمونیستی که به سر و دست خودش خود علاقه است و واقعا در راه حزب کمونیست مبارزه می کند ، اکنون باید با مبارزه با این جریان نوسال - نوبت است به آن "گمک" کند که از جنبش کمونیست سستی بیرون رفته و در کنار "اکثریت" نلانی خود را برای ملکی بین کردن "حزب نوده" - که اکنون می توان یک حزب سیاسی در حال زوال است و سفشش بیش از پیش به یک دفتر جاسوسی و دفتر مشاوره و راهنمایی ایدئولوژیک - سیاسی برای حشرات ایورنوس است - کاهش می یابد - با احزاب طراز سوم نوسال - لیبرال ایران در خارج از جنبش کمونیستی دنبال کند . ما به سبب خود در حسد توان خود در این راه کوشیده ایم و در این زمینه سخنان دیگری داریم . بارها و هواداران کمونیست رژیمتگان که جلب رادیکالیسم گاد بیخیش این سازمان شده اند که بعدا مطرح خواهیم کرد .

۲۰ آبان ۵۹

این مقاله می نویسد : " این جنگ محل وزمان نمایش سریع دیدگاه های اساسی و متدولوژی جریانات مختلف کمونیستی است که اغلب در بی ظاهر آراسته مواقع روزمره پنهان بودند ... " (در مبارزه جنگ ...) اگر اشاره به این مقاله برای "عرض اندام" ، حالی کردن دل حرفه و "رجوخانی" نباشد با بدرویش گنیم که اهمیت واقعی سیاسی تحول سریع در چیست ؟

اهمیت واقعی سیاسی هر تحول سریع در واقع در اینست که ما طرح دقیق و عملی ممانع اساسی طبقاتی ، تمام بشرات برینا مه ای و تاکتیکی جریانات مختلف را ، در چگونگی ارزیابی کد و شرایط نوبت بدست می دهند و شعارها ، شیوه ها و اشکال فعالیت سیاسی که طرح و اشکال می نمایند ، از نقطه نظر انطباق این نظرات برینا مه اساسی طبقات اصلی جامعه عملی یک زده و به قضا و به می یابند . برینا مه این تحولات سریع و از طریق آشکار شدن محتوای طبقاتی نظرات برینا مه ای و تاکتیکی جریانات مختلف و مبارزه بین آنان است که جامعه از لحاظ گروه بندیهای ایدئولوژیک - سیاسی هر چه بیشتر به تفکیک و متمایز شدن سه جریان عمده طبقاتی یعنی جریانات بورژوا - لیبرال ، خرده بورژوا - دموکرات و جریانات انقلابی پرولتری متمایز با سه طبقه اصلی نزدیک تر می گردد . خط بنی های سیاسی ، جریانات بینا سیمی و نظرات برینا مه ای "ماورا" طبقاتی " هر چه بیشتر زوال یافته و نیروهای واقعی مکان خود را در یکی از سه جریان عمده تاریخی می یابند . اهمیت این مونسوع از دلگامی برای کشور ما بویژه برجسته می گردد . اول آنکه کلیه طبقات مردم ایران هنگامی قدم در مبارزه انقلابی گذاشتند و هنگامی وارد کارزار بیکارهای سخت طبقاتی شدند که هیچ یک از کمترین تدارک برینا مه ای و تاکتیکی برای انقلاب ، از کمترین تدارک ایدئولوژیک - سیاسی و شعارها ، شیوه ها و اشکال و سبب مبارزه سیاسی آزموده و تثبیت شده برخوردار نبودند . اینک در سبب شرایط انقلابی و تدارک آن کلیه طبقات مردم ایران ضرورت عمده سیاسی تدارک برینا مه ای و تاکتیکی خود را نیز انجام داده و در راه خانه سیاسی خود آماده ساخته و بجای مختلف ، شعارها ، اشکال و شیوه های مختلف را در عمل می آزمایند . در جنبش و وضعیت عمومی طبقاتی هر تحول سریع و هر سه منبع برای طبقات مختلف در رویش ساختن ، شما بیرون تفکیک نمودن طرف طبقاتی اهمیت مد چندان می یابد . دوم آنکه (که جمعه دیگری از همان

☆ پرسش و پاسخ

را بخوانید!
و در تکثیر و پخش آن
ما را یاری کنید

رفقا!
جهت تداوم و گسترش
فعالیت های خود به کمک
های مالی شما نیازمندیم.